

## پیروزی کارگران نیشکر هفت تپه در گرو اتحاد کارگران علیه سرمایه است

بیش از یک هفته است که کارگران نیشکر هفت تپه در شهر شوش در خوزستان در اعتصاب توام با تحصن و راه پیمایی به سر می برند. مطالبات کارگران در این اعتصاب بسیارند اما مهم ترین آن ها عبارت اند از: رسمی کردن کارگران موقت، افزایش دستمزد، تشکل کارگری، اجرای طبقه بندی مشاغل و پرداخت دستمزدهای معوقه. پاسخ دولت به این اعتصاب تا کنون جز پرداخت بخشی از دستمزدهای معوقه چیزی جز ضرب و شتم و بازداشت و به طور کلی سرکوب کارگران نبوده است. در مورد جزئیات این اعتصاب گزارش های بسیاری داده شده و ما در اینجا آن ها را تکرار نمی کنیم. آنچه می خواهیم بدان بپردازیم اول اشاره به علت اصلی وضعیت کنونی کارگران نیشکر هفت تپه و سپس راه مقابله با آن است.

در سال ۱۳۸۵، حدود دومیلیون و پانصد هزار تن شکر به کشور وارد شده است و این در حالی است که کل مصرف داخلی شکر در سال یک میلیون و هشتصد هزار تن است که تازه یک میلیون و دویست هزار تن آن در داخل تولید می شود و نیاز به واردات شکر فقط ششصد هزار تن است. پرسش این است که چرا در سال ۱۳۸۵ به جای ششصد هزار تن، دومیلیون و پانصد هزار تن شکر وارد شده است؟ از عوامل دیگر که بگذریم، واقعیت این است که تولید شکر در داخل سود موردنظر شرکت های دولتی و خصوصی تولیدکننده شکر را تامین نمی کند به طوری که این شرکت ها برای به دست آوردن این سود ترجیح می دهند به جای تولید شکر در داخل آن را از خارج وارد کنند. دولت نیز برای حمایت از این شرکت ها عوارض گمرکی واردات شکر را از ۱۴۰٪ به ۴٪ کاهش داده تا این شرکت ها بتوانند به راحتی و با ارزان ترین قیمت هر اندازه که بخواهند شکر وارد کنند. دولت ادعا می کند که این کار به نفع مردم است زیرا به این ترتیب شکر ارزان تر به دست مردم می رسد. این ادعا دروغی بیش نیست، زیرا قیمت شکر در بازار نه تنها کاهش پیدا نکرده بلکه، برعکس، افزایش یافته است. بنابراین، واردات شکر نه فقط مشکل گرانی شکر را حل نکرده بلکه هزاران کارگر نیشکر هفت تپه را نیز در معرض بیکاری و خانه خرابی هر چه بیشتر قرار داده است.

اما چه باک! اگر هزاران کارگر بیکار و بی خانمان می شوند و مردم شکر را گران تر از پیش می خرند، در عوض به شکرانه واردات کوه عظیمی از شکر سود مطلوب شرکت های دولتی و خصوصی متعلق به آقازاده ها به دست آمده و این شرکت ها به ثروت های نجومی دست یافته اند. پس، نیازی به توضیح بیشتر ندارد که کارگران نیشکر هفت تپه قربانی حرص و آز سیری ناپذیر صاحبان ثروتمند این شرکت ها برای سوداندوزی هر چه بیشتر شده اند.

اما ببینیم ثروت عظیم این شرکت ها و آقازاده ها از کجا آمده است. برای واردات دومیلیون و پانصد هزار تن شکر در سال ۱۳۸۵، یک میلیارد دلار یعنی حدود هزار میلیارد تومان پول خرج شده است. بودجه اصلی ای که صرف واردات می شود پولی است که از فروش نفت به دست می آید. نفت را چه کسانی از اعماق زمین بیرون می کشند تا صاحبان وسایل تولید آن را به دلار تبدیل کنند؟ کارگران. پس، شرکت های دولتی و خصوصی واردکننده شکر در واقع شیرۀ جان کارگران نفت را در شکل دلار خرج واردات شکر می کنند تا با فروش آن در بازار پول بازهم بیشتری را به جیب بزنند. اما این پول بیشتر از کجا می آید؟ کشورهایی که ایران از آن ها شکر وارد می کند عبارت اند از انگلیس، آلمان، بلژیک، سوئیس، اتریش، ترکیه، برزیل، آفریقای جنوبی و امارات متحده عربی. چه کسانی شکر را در این کشورها تولید می کنند؟ بازهم کارگران. شکری که وارد ایران می شود محصول کار کارگران کارخانه های تولید شکر در کشورهای فوق است و پولی که به جیب شرکت های وارد کننده شکر می رود بخشی از شیرۀ جان کارگران این کشورها است. به این ترتیب، هم پولی که صرف خرید شکر از خارج می شود و هم سودی که با فروش این شکر در داخل به جیب شرکت های واردکننده شکر می رود هر دو از شیرۀ جان کارگران- اعم از ایرانی و خارجی- مکیده شده است. و همین است آن رابطه اجتماعی انسان ستیزی که انبوه انسان هایی را که برای امرار معاش مجبورند نیروی کار خود را به ارزان ترین قیمت بفروشند به برده مزدبگیر شمار اندکی ددمنش خون آشام تبدیل کرده است که فقط و فقط به دلیل مالکیت بر وسایل تولید بر سرنوشت این اردوی بی شمار کار حاکم شده اند. پس، در یک کلام، علت اصلی خانه خرابی و سیه روزی هزاران کارگر نیشکر هفت تپه حاکمیت رابطه ضدانسانی سرمایه است که در آن جز سوداندوزی هر چه بیرحمانه تر و ددمنشانه تر مشتی سرمایه دار به بهای از هستی ساقط کردن میلیون ها انسان هیچ چیز دیگری معنا و مفهوم ندارد.

بدین سان، تنها راه رهایی کارگران نیشکر هفت تپه از تمام بدبختی هایشان راه مبارزه با سرمایه به مثابه رابطه ای اجتماعی است که تمام بشریت را به اسارت خود درآورده است. اما چگونه؟ بدون شک، همین اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه خود مبارزه با سرمایه است، چرا که مضمون آن گرفتن سهم هر چه بیشتری از سرمایه به نیروی خود کارگران و بدین سان تضعیف قدرت سرمایه است. اما به زانو در آوردن سرمایه داری به مبارزه سازمان یافته و سراسری کارگران نیاز دارد. قدرت سرمایه از آن روست که کارگران در مقابلش زانو زده اند. اگر کارگران برخیزند، این سرمایه است که در مقابل آنان زانو خواهد زد. چنان که دیدیم آنچه که هم اکنون کارگران نیشکر هفت تپه را در معرض بیکاری و سیه روزی بیش از پیش قرار داده واردات شکر با هدف سوداندوزی هر چه بیشتر است. اما اگر کارگران نفت و گاز و پتروشیمی برای حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه تولید نفت و گاز و محصولات پتروشیمی را

بخواهاند، شرکت های واردکننده شکر پول واردات شکر را از کجا خواهند آورد؟ اگر کارگران کشورهای صادرکننده شکر به ایران در حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه تولید شکر را متوقف کنند، آیا اساساً شکر وجود خواهد داشت که سرمایه داران ایرانی آن را وارد کنند و با فروش آن در بازار خود به سودهای نجومی دست یابند و کارگران را به خاک سیاه بنشانند؟ همین قدر برای نشان دادن قدرت اتحاد و همبستگی کارگران برای به زانو درآوردن سرمایه داری کافی است.

شکایت به نهادهایی چون سازمان جهانی کار البته لازم است. اما قبل از آن و مهم تر از آن لازم است که کارگران نیشکر هفت تپه هم طبقه ای های خود در ایران و سایر نقاط جهان به یاری فراخوانند. لازم است که با کارگران نفت و گاز و پتروشیمی وارد مذاکره شوند و ضرورت توقف تولید نفت و گاز و محصولات پتروشیمی را با آنان در میان گذارند. لازم است که در کنار شکایت به سازمان جهانی کار برای کارگران تولید کننده شکر و تشکل های آنان در سایر کشورها نامه بنویسند و لزوم خواباندن تولید شکر را در کشورهایشان خاطر نشان کنند. ناگفته پیداست که تلاش برای ایجاد صفی متشکل و سراسری علیه سرمایه به هیچ وجه به معنی دست کشیدن یا حتی کم رنگ کردن مبارزه بالفعل کنونی برای دست یابی به مطالباتی چون افزایش دستمزد، لغو کارموقت و تشکل کاری نیست. در واقع، کارگران نیشکر هفت تپه حتی بدون یاری کارگران دیگر نیز چاره ای جز ادامه این مبارزه ندارند. تمام نکته در این است که دست یابی به همین مطالبات با ایجاد صف متحد و متشکل کارگران علیه سرمایه امکان پذیر است. قدرت سرمایه و سرکوب آن را فقط و فقط با قدرت سرمایه ستیز کارگران متحد و متشکل می توان درهم شکست.

### کارگران نیشکر هفت تپه !

برای حمایت از خود، سایر کارگران و در درجه اول کارگران نفت و گاز و پتروشیمی را به توقف چرخ تولید فراخوانید!

### کارگران نفت و گاز و پتروشیمی !

هم زنجیران شما در نیشکر هفت تپه هم اکنون به حمایت و همبستگی شما نیاز دارند. مطالبات آنان همان خواسته های شما و کل کارگران ایران است. افزایش دستمزد، الغای کارموقت و استخدام رسمی کارگران و سرانجام تشکل کاری دیگر نه خواسته های این یا آن بخش از طبقه کارگر بلکه مطالبات طبقاتی کل طبقه کارگر ایران به شمار می روند. بنابراین، حمایت از اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه در واقع حمایت از کل طبقه کارگر از جمله خود شماست. این حمایت، حمایت یک هم سنگر از هم سنگر خویش است. پس، به پا خیزید و برای اعلام همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه تولید نفت و گاز و محصولات پتروشیمی را متوقف کنید!

## فعالان جنبش کارگری

۱۳۸۶/۷/۱۵